

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع

عصمت الانبيا

تذوين

سیده زهرا مظفری لنگرودی

مدرسه جلالیه معصومیه آستانه اشرفیه

۱۳۹۶-۹۷

## چکیده

پیامبران برای ترکیه انسانها و تربیت آنها مبوعث شده اند ، بنابراین اگر مردم دروغ و معصیت را بر انبیا مجاز بدانند ، در امر و نهی و در سیره‌ی لازم الاتباع آنان کذب ، محتمل خواهد بود و در این حالت مردم مطیع اوامر انبیا نخواهند گشت و در نتیجه غرض از بعثت نقض خواهد شد.

تبليغ هم با قول است هم با فعل. زيرا فعل نيز متضمن تبليغ است. بنابراین، پیامبر از معصیت، يعني انجام محرمات و ترك واجبات ديني معصوم است زира معیت کار بودن پیامبر زمینه ساز تبليغ چيزی است که برخلاف دين است، پس او از انجام معصیت معصوم است

## فهرست

۱.....	مقدمه
۲.....	معنای عصمت
۳.....	عصمت در گرفتن وحی و رساندن آن به مردم
۳.....	عصمت در عمل به قوانین الهی
۴.....	عصمت از خطا در اجرای قوانین الهی
۴.....	منزه بودن از اموری که مردم از آنها نفرت دارند
۶.....	عصمت و اختیار
۸.....	نتیجه گیری
۹.....	منابع

جهان هستی بر پایه یک سری قوانین خلق شده است که به صورت هدایت تکوینی برای تمام موجودات در حال اجراست اما گروهی از این موجودات به دلیل نعمت تفکر و اختیار دارای هدایت تشریعی می باشند و قوانین مربوط به این گروه توسط واسطه‌ی الهی به آنها ابلاغ شده است. طبق آیه‌ی قرآن این گروه که همان نسل بشر است با پیامبری از جنس خودشان به کمال خود هدایت می شوند.

((لقد جاءكم رسول من انفسكم...)).(توبه،۱۲۸)

به راستی به سوی شما پیامبری از خود شما بیامد...

اما این رسول برگزیده باید دارای چه صفاتی باشد؟

در حقیقت این پیام آور باید از اجتناب به خطای مصون باشد تا بتواند قوانین الهی را بدون اشتباه به ما برساند که به این صفت عصمت گفته می شود. به گفته محقق گرگانی: عصمت ملکه‌ی اجتناب از معاصی با داشتن توانایی بر عصیان است.

حال سوال اینجاست که آیا این پیام آوران در دریافت، حفظ و ابلاغ وحی یا در امور روزمره‌ی خود نیز معصوم است؟

در این مقاله سعی شده است تا با استناد به کلام الله و کتب معتبر محاضرات فی الهیات بحث عصمت انبیا را مورد بررسی قرار دهیم. باشد که این تلاش ناچیز مورد عنایت حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرج الشریف) واقع شود.

## معنای عصمت

عصمت در لغت، به معنی خودداری و بازداری است و در اصطلاح، به گفته‌ی محقق گرگانی: عصمت ملکه‌ی اجتناب از معاصی با داشتن توانایی بر عصیان است. (التعريفات، ۶۵)

((اولئك الذين هدى الله بهدهاهم اقتده)). (انعام ، ۹۰)

آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است پس به هدایت آنان اقتدا کن.

پس خداوند ابتدا انبیا را هدایت نمود و سپس آن‌ها را برای بندگانش هادی قرار داد و فرمان به اطاعت از آن‌ها داد حال چطور ممکن است کسی که هدایت کننده است خود دچار خطأ و اشتباه شود؟ چگونه می‌توان پذیرفت کسی که خود عامل به منکر است بتواند ناهی از منکر باشد و دیگران را از عملی که خود به آن اصرار دارد منع کند؟ طبق آیه خداوند پیامبران را هدایت کرده است پس آنان هرگز مرتكب خطأ نمی‌شوند.

((عالِم الغَيْبِ فَلَا يُظَهِّرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا، إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولِهِ فَانِهِ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدِيهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا، لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَ احْاطَ بِمَا لَدِيهِمْ وَ احْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا)). (جن، ۲۶-۲۸)

دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبیش آگاه نمی‌سازد مگر پیامبرانی که آنان را برگزیده و از آنان راضی است و مراقبینی از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می‌دهد تا معلوم شود پیامبرانش رسالت‌های پروردگارشان را ابلاغ کرده‌اند و او به آن چه نزد آن‌ها است احاطه دارد و همه چیز را احصا کرده است.

یکی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) از آن حضرت تفسیر آیه فوق را سوال نمود، امام در پاسخ او فرمود:

خداؤند به پیامبرانش فرشتگانی می‌گمارد تا اعمال و رفتار آنان را کنترل کرده و روش تبلیغ را به آنان یاد دهند و خداوند متعال بر محمد نیز از روزی که دوران شیر خوارگی اش تمام گردید فرشته‌ی بزرگی را مامور و موکل نمود که همواره او را به اوصاف نیک و اخلاق پستدیده راهنمایی و از اخلاق ناپسند جلوگیری می‌نمود و همان فرشته رسول خدا را که هنوز جوان بود و به مقام رسالت نرسیده بود بدین گونه صدا می‌کرد: ((السلام عليك يا محمد يا رسول الله)) و آن حضرت خیال می‌کرد که این صدا از در و دیوار بلند است و تأمل میکرد ولی چیزی نمی‌دید. (شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۰۷، خ ۲۹۲)

سزاوار است که پیامبر از هر چیزی که دلسرد کننده است پیراسته باشد مانند پاک بودن روحش از رذائل مانند کینه ، حسد و حرص و امثالهم و همچنین پاک بودن جسمش از ج Zam و برص و پیراستگی نسبش از زنا و پستی اجداد ، زیرا همه این موارد مردم را از باور کردن سخنان نبی و اندیشیدن در معجزات ، منصرف می کند بنابراین طهارت نبی از امور مزبور از الطاف لازم حکیمانه الهی است که مردم را به اطاعت نبی و تمایل قلبی آنان به او نزدیک می کند.(قواعد المرام، ۱۲۷)

امام علی (علیه السلام) درباره نسب رسول خدا (صلوات الله عليه و آله و سلم) فرمودند:

...هر پدری که خواست از دنیا برود و فرزندانی داشت خدا نطفه محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را در فرزند بهتر قرار داد نه جنایت کار در انتقال نطفه‌ی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) سهم داشت و نه معصیت کار.(نهج البلاعه، خ ۲۰۵)

این سخن مولا علی (علیه السلام) نشان می دهد که پاکی نسب و برتری اجداد در امر رسالت و جذب مردم به دین بی تاثیر نیست و حتی از اهمیت هم برخوردار است.

و از اهمیت حسن خلق انبیا در جذب مردم در قرآن :

((فِيمَا رَحْمَهُ اللَّهُ لِنَّتْ لَهُمْ وَلَوْ كَنْتُ فِظًا غَلِيظًا لَقَلْبِ الْأَنْفَصِيُّوْمَنْ حَوْلَكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ ...)).(آل عمران، آیه ۱۵۹)

از رحمت پروردگار است که تو برای آنان نرم خوی و مهربان گشتی و اگر تند خوی و سنگین دل بودی از اطرافت پراکنده می شدند پس آنان را ببخشای و بر آنان طلب آمرزش نمای .

در این آیه شریفه از حسن خلق پیامبر سخن گفته شده و با توجه به این که در جمله (ولو کنت فظا) کلمه ((لو)) به کار رفته است پس تندی و خشونت نسبت به آن حضرت غیرممکن است زیرا کلمه ((لو)) درجایی استعمال می شود که وقوع آن عادتاً ممکن نباشد.

((وَ انكَ لَعَلِيٍّ خَلْقَ عَظِيمٍ)).(قلم، ۴)

تو از اخلاق بزرگی برخورداری.

## عصمت و اختیار

چه بسا توهمندی شود که عصمت از معصوم حریت و اختیار را نفی می‌کند و او را بر ترک معصیت مجبور می‌سازد. نتیجه‌ی این توهمندی، نفی هرگونه کرامت و ستایش است که به معصوم نسبت داده می‌شود و باید دانست این که معصوم به مقتضای قدرت و اختیاری که به او عطا شده بر انجام گناهان توانایی دارد، توهمند سلب اختیار را دفع می‌کند. (فرد معصوم اگرچه برای انجام گناه قادر است) ولی تقوای عالی او و علم به آثار گناهان و آگاهی از بزرگی خالق، او را از انجام گناه باز می‌دارد.

علامه طباطبائی می‌فرماید:

ملکه‌ی عصمت، طبیعت دارای اختیار انسانی را در افعال دارای اختیار تغییر نمی‌دهد و آن را به عرصه‌ی اجبار و اضطرار نمی‌کشاند، چگونه ملکه‌ی عصمت سبب اجبار شود در حالی که علم از مبادی اختیار است. مانند کسی که سالم بودن خود را می‌خواهد، اگر یقین کند مایعی زهر کشنده‌ی فوری است با اختیار خود از نوشیدن آن امتناع می‌ورزد. (المیزان، ج ۱۱، ص ۱۹۳)

و این نظیر صدور قبیح از خدای سبحان است که بالذات ممکن است و در دایره‌ی قدرتش قرار می‌گیرد، پس در قدرت اوست که بنده‌ی مطیع خود را در جهنم جاودان سازد، لکن این امر از او صادر نمی‌شود؛ زیرا با حکمت و وعده‌ی او ناسازگار است.

در حقیقت عصمت ریسمانی است که به غریق داده می‌شود تا به وسیله‌ی گرفتن آن، خود را سالم نگهدارد، ولی او مختار است ریسمان را بگیرد و خود را نجات دهد و یا نگیرد و غرق شود.

امام علی (علیه السلام) در سخن شماره ۷۶ از کتاب نهج البلاغه، جبر و اختیار مردم را در انجام امور این گونه شرح دادند: از جمله‌ی فرمایشات امام (علیه السلام) مطلبی است که در جواب آن شامی به هنگام حرکت به سوی شام سوال کرد: آیا رفتن ما به سوی شام از روی قضا و قدر خداست؟

حضرت در پاسخ شامی مطالبی فرمود که از آن جمله است: افسوس! شاید فکر می‌کنی که قضا و قدر حتمی است، اگر چنین فکر می‌کنی باید پاداش و کیفر خدا باطل باشد، نوید و تحديد بیجا باشد خدای عزیز به مردم دستوراتی داده و آنها را آزاد گذاشته است و از مطالبی نهی کرده به عنوان اعلام خطر، تکلیف خدا آسان و کم نیست، برای کار کم خیلی ثواب می‌دهد. هرگاه نافرمانی خدا شود خدا مغلوب نگردیده و مردم از روی بی میلی اطاعت خدا را نمی‌کنند. پیامبران را به بازی نفرستاده است، بی

جهت کتاب های آسمانی را برای بندگان خدا نازل ننموده، آسمان ها و زمین را و آنچه میان زمین و آسمان است بی فایده نیافریده است: ((این گمان کسانی است که کافر شده اند. وای به حال کسانی که کافر شده اند از اتش جهنم!))

با این بیان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تمامی مردم در انجام رفتار خویش مختار هستند چرا که اگر غیر از این بود طبق سخن خود ایشان فرستادن پیامبران و کتاب و... بی معنا و بازی بود چرا که اگر مجبور به انجام اعمال خویش باشیم دیگر داشتن کتاب هدایت گر و راهنما هم بی معناست و این از حکمت پروردگار به دور است.

و از آن جایی که پیامبر هم مطابق با آیه قرآن بشری است همانند ما ، پس ایشان هم در انجام احکام و فرائض خویش مختار است اما به دلیل داشتن مقام عصمت با وجود داشتن اختیار از ارتکاب به معاصی خودداری می کند.

پس اینکه خداوند در قرآن خود به تجلیل مقام حضرت رسول اکرم (صلوات الله علیه و آله و سلم پرداخته است بیانگر این حقیقت است که ایشان با وجود قدرت اختیار خویش از ارتکاب به معاصی خودداری کرده اند که اگر غیر از این بود دیگر چه جای تجلیل و تکریم داشت که فرشتگان همه بالاجبار از ارتکاب به گناه منزه اند ، واضح است که این تکریم به سبب پاکی و عصمت همراه قدرت اختیار است.

## نتیجه گیری

در این اثر تلاش شد با برداشتی از کتاب محاضرات فی الهیات به بررسی عصمت انبیا پرداخته شود و در نتیجه طبق نظر اکثر علمای امامیه انبیا در تمامی جوانب زندگی خود از ارتکاب به خطا و گناه معصوم اند چراکه راستی و تاثیر کامل تبلیغ احکام در گرو دریافت ، نگهداری ، ابلاغ صحیح و عمل به آن توسط انبیا است.

## منابع

- ١- القرآن الكريم ، كلام الله المجيد.
- ٢- نهج البلاغه، سيد رضي، انتشارات نبوى، تهران، ١٣٧٨، ش.
- ٣- الميزان في تفسير القرآن، العلامه الطباطبائي، السيد محمد حسين، موسسه الاعلمي، بيروت، ١٣٩٣ ق.
- ٤- التعريفات، الجرجاني، السيد الشريفي على بن محمد، دار الفكر، بيروت، ١٤١٩ ق.
- ٥- كشف المراد، العلامه الحلى، الحسن بن يوسف، موسسه النشر الاسلامي، قم المقدسه، ١٤١٩ ق.
- ٦- الالهيات على هدى الكتاب و السنن و العقل، السبحاني، جعفر، الدار الاسلاميه، بيروت، ١٤١٠ ق.
- ٧- قواعد المرام في علم الكلام، البحراني، كمال الدين ميثم، مكتبه المرعشى النجفى، قم المقدسه، ١٤٠٦ ق.
- ٨- محاضرات في الهيات، السبحاني، جعفر، دار الفكر، قم، ١٤٣٨ ق.
- ٩- شرح نهج البلاغه، ابن أبي الحديد، دار الفكر، بيروت، ١٤١٠ ق.